

پرسش ۱۱۸: معنای روح القدس.

سؤال/ ۱۱۸: ما هو روح القدس، وهل فيهم كبير وصغير كالذي مع من يقول الحق والذي مع المعصوم؟

روح القدس چیست؟ و آیا در میان آنها کوچک و بزرگ وجود دارد، مانند آن روحی که همراه کسی است که حق را می گوید و آن که همراه معصوم است؟

الجواب: روح القدس هو: (روح الطهارة أو العصمة)، فإذا أخلص العبد بنيته لله سبحانه وتعالى وأراد وجه الله، أحبه الله ووكل الله به ملكاً يدخله في كل خير ويخرجه من كل شر ويسلك به إلى مكارم الأخلاق، ويكون روح القدس واسطة لنقل العلم للإنسان الموكل به، وأرواح القدس كثيرة وليست واحداً، والذي مع عيسى (عليه السلام) ومع الأنبياء دون الذي مع محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلي (عليه السلام) وفاطمة (عليها السلام) والأئمة (عليهم السلام)، وهذا هو روح القدس الأعظم لم ينزل إلا مع محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، وانتقل بعد وفاته إلى علي (عليه السلام) ثم إلى الأئمة ثم بعدهم إلى المهديين الاثني عشر (عليهم السلام).

پاسخ: روح القدس همان روح پاکی و عصمت است. اگر بنده نیتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را دوست می دارد و ملکی را موکل بر او می کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شرّی خارج کند و او را به سوی مکارم اخلاق (والاثرین خصوصیات اخلاقی) سوق می دهد. روح القدس واسطه انتقال دانش به انسانی که موکلش است، می باشد. روح القدس ها متعددند و یکی نیستند؛ روح القدسی که با حضرت عیسی (علیه السلام) و انبیا (علیهم السلام) بوده است با روح القدسی که با محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) و ائمه است فرق می کند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است که فقط برای حضرت محمد نازل، و پس از وفات او به علی (عليه السلام) منتقل شد و و پس از او به

ائممه (عليهم السلام) انتقال یافت و پس از آنها به مهديون دوازده گانه (عليهم السلام) منتقل می شود.

عن أبي بصير، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله تبارك وتعالى: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) (1497)، قال (عليه السلام): (خلق من خلق الله عز وجل أعظم من جبرائيل وميكائيل، كان مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يخبره ويسدده وهو مع الأئمة (عليهم السلام) من بعده) (1498).

از ابو بصير روایت شده است: از ابو عبد الله (عليه السلام) درباره ی این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: (و این چنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی دانستی کتاب چیست و ایمان کدام است). (1499) فرمود: (مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل که از جبرئیل و میکائیل بزرگ تر است و همراه حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) بود و به او خبر می داد و راهنمایی می کرد و بعد از ایشان، همراه ائمه ی (عليهم السلام) پس از او می باشد) (1500).

عن أبي بصير، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله عز وجل: (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي) (1501)، قال (عليه السلام): (خلق أعظم من جبرائيل وميكائيل عليهما السلام كان مع رسول الله وهو مع الأئمة (عليهم السلام) وهو من الملكوت) (1502).

ابو بصير می گوید: از ابو عبد الله درباره ی این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: (از تو درباره ی روح می پرسند. بگو: روح از امر پروردگارم است). (1503) فرمود: (آفریده ای عظیم تر از جبرئیل و میکائیل (عليهما السلام) که همراه رسول خدا بود و با ائمه (عليهم السلام) می باشد و این روح از ملکوت است) (1504).

و عن أبي حمزة، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن العلم أهو علم يتعلمه العالم من أفواه الرجال، أم في الكتاب عندكم تقرؤونه فتعلمون منه؟ قال (عليه السلام): (الأمر أعظم من ذلك وأوجب أما سمعت قول الله عز وجل: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) ([505]).

از ابو حمزه روایت شده است: از ابو عبد الله (عليه السلام) درباره‌ی علم پرسیدم که آیا همان علمی است که عالم از دانشمندان یاد می‌گیرد یا در کتابی نزد شما است که آن را می‌خوانید و یاد می‌گیرید؟ فرمود: (مسأله بزرگ‌تر از اینها است. این سخن خداوند متعال را شنیده‌ای که می‌فرماید: (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام است.) ([506])

ثم قال: أي شيء يقول أصحابكم في هذه الآية، أيقرون أنه كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان؟ فقلت: لا أدري جعلت فداك ما يقولون، فقال لي (عليه السلام): بلى قد كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان حتى بعث الله تعالى الروح التي ذكر في الكتاب، فلما أوحاها إليه علم بها العلم والفهم وهي الروح التي يعطيها الله تعالى من شاء فإذا أعطها عبداً علمه الفهم) ([507]).

سپس فرمود: (نظر اصحاب شما درباره‌ی این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌کنند که پیامبر در وضعیتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است؟) عرض کردم: فدایتان گردهم، نمی‌دانم آنها چه می‌گویند. حضرت (عليه السلام) به من فرمود: (آری، او در حالتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است تا اینکه خداوند متعال این روح را که در قرآن ذکر شده است، فرستاد. پس زمانی که خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله‌ی این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می‌فرماید. اگر آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است.) ([508]).

فرسول الله محمد(صلى الله عليه و آله و سلم) لما نزل إلى هذا العالم الجسماني ليخوض الامتحان الثاني بعد الامتحان الأول في عالم الذر حجب بالجسم المادي، فلما أخلص لله سبحانه وتعالى إخلاصاً ما عرفت الأرض مثله أحبه الله ووكل به روح القدس الأعظم، فكان الفائز بالسباق في هذا العالم كما كان الفائز بالسباق في الامتحان الأول في عالم الذر.

بنابر این رسول خدا حضرت محمد(صلى الله عليه و آله و سلم) هنگامی که به این عالم جسمانی آمد تا بعد از امتحان اول در عالم ذر وارد امتحان دوم در این عالم که با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی که برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نشناخته بود، اخلاص ورزید، خداوند او را به دوستی برگزید و روح القدس اعظم را موکل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.



الشوری : 52.

[498] - الكافي : ج 1 ص 273 ح 1.

[499] - شوری: 52.

[500] - كافي: ج 1 ص 273 ح 1.

[501] - الإسراء : 85.

[502] - الكافي : ج 1 ص 273 ح 3.

[503] - إسراء: 85.

[504] - كافي: ج 1 ص 273 ح 3.

[505] - الشوری : 52.

[506] - شوری: 52.

[507] - الكافي : ج 1 ص 274 ح 5.

[508] - كافي: ج 1 ص 274 ح 5.

